**حاج میرزا آقاسی**

**سعادت نوری، حسین**

هنگام محاصره هرات دولت انگلیس که گسترش نفوذ ایران و متعاقبا سلطه و سیطرهء روسیهء تزاری را در افغانستان بمصلحت حکومت هندوستان نمیدانست دست به تحریکات دامنه‏داری زد تا مشکلات تازه‏ای برای ایران ایجاد و محمد شاه را از تصرف هرات منصرف نماید.در همان اوان‏ علیخان ظل السلطان و محمد تقی میرزا رکن الدوله و اما موردی میرزا برادر پشت و کالبدی او و نصر اللّه میرزا پسر رکن الدوله بوسیلهء نقب و احداث یک راهرو و زیرزمینی از قلعهء اردبیل بخاک‏ روسیه گریختند.ظل السلطان و همراهان ابتدا به اسلامبول و قاهره و بعد بزیارت مکه رفتند و سرانجام در کربلا و کاظمین مجاور شدند تا در مواقع لزوم بمنظور ارعاب و اخافهء حکومت ایران‏ مورد استفادهء سیاسیت استعماری قرار بگیرند.طغیان آقا خان محلاتی در کرمان و فتنهء باب و غابله‏های دیگر همه برای سرگرم ساختن ایران بود تا این دولت به فکر استیفای حقوق حقهء خود نیفتد و قدمی برخلاف مصالح سیاست استعماری برندارد.هنوز محمد شاه حوالی هرات بود که‏ ناگهان و بی مقدمه علیرضا پاشاوالی بغداد ناجوانمردانه به محمره(خرمشهر)حمله کرد و اموال‏ و دارائی بازرگانان آن شهر را به غنیمت گرفت و جمعی بیگناه را بهلاکت رسانید.میرزا جعفر خان مشیر الدوله وزیر مختار ایران در اسلامبول باین عمل اعتراض کرد ولی اقدامات او به نتبجه‏ نرسید و دولت عثمانی که متکی به حمایت و پشتیبانی دولت انگلیس بود به اشارهء سیاستمداران‏ لندن نسبت به این قسمت از خاک ایران ادعاهائی داشت.

چون از ابتدای سلطنت محمد شاه ببعد یک سلسله حوادث ناگوار در سرحدات ایران و عثمانی اتفاق افتاده بود1تجاوز علیرضا پاشاوالی بغداد به محمرده هم مزید بر علت شد و دولت ایران‏ را مصمم ساخت که متقابلا شهر بغداد را مورد حمله قرار دهد.پس از وفات سلطان محمود ثانی و جلوس‏ سلطان عبد المجید که در سال 1155 اتفاق افتاد قوای عثمانی در زدوخورد با ابراهیم پاشا شکست‏ خوردند و ناوهای جنگی آن دولت به دستور فرمانده خود تسلیم محمد علی پاشا شدند.میرزا جعفر خان‏ مشیر الدوله مینویسد:«فدوی وقت را مناسب دانسته به بهانهء احضار چهار مانه چاپاری به دار الخلافه‏ آمده مراتب را به حاج میرزا آقاسی مرحوم حالی نمود.او در مقام تلافی به خیال تسخیر بغداد افتاده‏ برای اجرای این مدعا شاه جنت آرامگاه مغفور را به بهانهء سفر اصفهان حرکت داد.»2

(1)-برای اطلاع از این حوادث رجوع کنید به تاریخ قاجاریه نوشتهء واتسن ترجمهء عباسقلی‏ آذری صفحات 226 و 227 و 228 و شرح حال میرزا تقی خان امیر کبیر تألیف عباس اقبال آشتیانی‏ صفحات 30و31.

(2)-رسالهء تحقیقات سرحدیه بقلم میرزا جعفر خان مشیر الدوله که در سال 1272 تألیف گردیده،نسخهء خطی کتابخانهء دانشکدهء ادبیات.

محمد شاه و حاج میرزا آقاسی و جمعی از دربار و عده‏ای قوای مسلح پس از تهیه و تدارک‏ لوازم سفر بعنوان گوشمال گردنکشان و اشرار محلی که مورد حمایت متنفذ اصفهان‏ بودند در روز چهاردهم ذی قعده 1257 به پایتخت صفوفیه رفتند و به قول رضا قلیخان هدایت، «اردوی شاهانه با تیپ و توپ و افواج دریا امواج و توپخانهء سلطان به حرکت درآمد.»1در اصفهان سید محمد باقر شفقی بیدآبادی و حاج محمد ابراهیم کلباسی و علما و روحانیون دیگر مورد تفقد قرار گرفتند.بنا بمندرجات روضة الصفای ناصری«جناب فضایل مآب حج میرزا آقاسی ایروانی‏ که فی الواقع از فضلای عهد بود ابواب مروادت و موافقت با هریک از فحول علما و رجال عرفا مفتوح‏ کرد و همگانرا از صفای عقیدت سلطان عهد مشعوف و مشکور داشت»2.حاج میرزا حسن خان جابری‏ انصاری مینوسید:«حرکت محمد شاه به اصفهان ظاهرا بمنظور تأدیب اشرار و باطنا برای ترهیب‏ مرحوم حاج سید محمد باقر بود که هیبت اللهی سید قصیه را برگردانید.»3

هنگام اقامت محمد شاه در اصفهان چند تن از نمایندگان خارجی حضور او رسیدند که جریان‏ ملاقات هریک تا آنجا که به شرح حال حاج میزا آقاسی ارتباط دارد توضیح داده میشود.بعد از حرکت میرزا جعفر خان مشیر الدوله بعنوان مرخصی،محمد خان مصلحت‏گذار سفارتخانهء ایران‏ در اسلامبول به دولت عثمانی چنین وانمود کرد که فلانی پس از شکست قوای بابعالی بدون اینکه‏ از طرف دولت متبوع احضار شود به عجله روانهء ایران شده است تا ضعف دولت عثمانی را به دربار شاهنشاهی خاطر نشان سازد و بالنتیجه محمد شاه به تلافی قتل و غارت محمره به سرحدات عثمانی‏ تجاوز نماید.دولت عثمانی که در آن تاریخ ضعیف و ناتوان بود از این پیش آمد سخت بوحشت افتاد و صارم‏افندی را به عجله به ایران فرستاد.صارم‏افندی در اصفهان به حضور شاه رسید ولی متأسفانه‏ دولت ایران نتوانست از موقع استفاده کند و وصول خسارات محمره بطاق نسیان سپرده شد.

هدایت راجع به مأموریت صارم‏افندی جنین مینویسد:«جناب صارم‏افندی از جانب حضرت‏ سلطان جدید سلطان عبد المجید خان مأمور به سفارت ایران شد و در شهر اصفهان بشرف حضور پادشاه ایران تشرف یافت و بعد از مقالات با جناب حاج میرزا آقاسی و نگذشتن این کار به اسلامبول‏ بازگردید و چنان مقرر شد که بتوسط دخالت وکلای دولتین علیین کرونل‏ویلیمس انگلیسی و کلنل‏دینیزوکیل دولت بهیه روسیه وکلا و سفرای دولتین ایران و آل عثمان در شهر ارزنة الروم‏ مجلس مکالمه و مقاوله منعقد کرده تحقیق دعوی نمایند.»4

میراز احمد خان وقایع‏نگار شیرازی مینویسد:«وقتی محمد شاه دور هرات بود علیرضا پاشا والی بغداد بی‏سابقه به محمره حمله کرد و جمعی را مفتول ساخت و مالی وافر به یغما برد..... عثمانیها بعد ایلچی فرستادند که غرامت بدهند حاجی گفت جواب توپ،توپ است و بغداد را میگیرم.»5

میرزا محمد تقی سپهر میگوید«حاجی میرزا آقاسی دل بر آن نهاد که در ازای محمره شهر بغداد را متفوح سارزد و به مکافات عمل عمال روم پردازد.به دست‏آویز سفر اصفهان به تجهیز لشکر پرداخت....اما از آن سوی چون میرزا جعفر خان سفر ایران کرد امنای دولت روم را مشکوف‏ (1)-روضة الصفای ناصری چاپ خیام جلد دهم ص 248.

(2)-ایضا ص 254.

(3)-تاریخ ری و اصفهان ص 257.

(4)-روضة الصفا جلد دهم ص 295.

(5)-از نسخهء خطی تاریخ قاجاریه تألیف وقایع‏نگار به نقل از شمارهء 3 سال 15 ملجهء ارمغان.

افتاد که از بهر آن کرد که ضعف دولت روم را بازنماید و لشکر ایران را از برای کیفر محمره‏ جنبش دهد از این معنی سخت بترسیدند و صارم‏افندی را به سفارت ایران مأمور ساخته بیرون‏ فرستادند و سلطان مجید خان بدو خطی داد که معادل سیصد هزار تومان زیان محمره را بر ذمت نهد و این امر را به مسالمت و مصالحت بپای برد.چون صارم‏افندی وارد شد حاجی میرزا آقاسی او را وقعی ننهاد و از برای زیان محمره پنج کرور و زر مسکوک همی طلب کرد.صارم‏افندی اجابت معنی را فوق طاقت دانسته و رنجیده خاطر طرین مراجعت گرفت و کار محمره به تأخیر افتاد تا وقتی که میرزا تقی خان وزیر نظام مأمور به سفر ارزن الروم گشت.»1

میرزا جعفر خان مشیر الدوله در رسالهء تحقیقات سرحدیه پیرامون موضوع مورد گفتگو بسط مقال داده و چنین نوشته است:«صرام‏افنید را باطنا بموجب دستخط سلطان مجید مرخص‏ نمودند که خسارت قتل و غارت محمره را تا سیصد هزار تومان بگذراند.سوء سلوک و عدم علم‏ احاطهء حاجی مرحوم و نقصان تدبیر و کمال اغراق‏گوئی او که قدر خسارت را بدون سند و دفتر تا چهار پنج کرور ادعا و مذکور مینمود و مقالات رکیکه میگفت باعث رنجیدگی و قهر صارم‏افندی‏ و موجب تضییع این همه حق دولت گردید.صارم‏افندی که زمان اختیار سلطنت را در دست آنچنان‏ آدم تنگ ظرف دید برای ملاحظهء صرفهء دولت خود،دستخط سلطان را بهیچ وجه بروز نداده و به‏ هیچ مطلبی از مطالب متعدد این دولت انجام نداده به اسلامبول مراجعت کرد.»

\*\*\*

بعقیدهء نویسندهء این سطور حرکت مشیر الدوله از اسلامبول و اظهارات محمد خان مصلحت‏ گذار دایر به اینکه عزیمت میرزا جعفر خان به قصد تشجیع دولت ایران به جنگ آلمانی است‏ هر دو به اشارهء دولت انگلیس و به این منظور بوده است که دولت عثمانی را مرعوب و ایران را سرگرم‏ نمایند و از این صحنه‏سازی استفاده‏های سیاسی بعمل آورند.مؤید این مدعا شرحی است که آقای‏ علی مشیری اخیرا از لندن نوشته و چون نگارشات ایشان بحکم اهل البیت اداری بمافی البیت حجت‏ است بهمین سبب عینا در اینجا نقل میشود.

«در اوایل سال 1817 میلادی میرزا جعفر خان مهندس فراهانی(که بعدا سفیر ایران در دربار انگلیس و رئیس شورای سلطنت در ایران گردید و اولین کسی است که لقب مشیر الدوله را گرفت)جد بزرگ نگارنده و محمد صالح شیرازی که هر دو جزو اولین شاگرادان اعزامی دولت‏ ایران به انگلستان بودند داخل گروه ممتازهء ماسوین گردیدند.»2

بی‏مناسبت نیست تذکر داده شود که همین مشیر الدوله در اوایل سلطنت ناصر الدین شاه‏ مأمور شد که در تعیین سرحدات ایران و عثمانی با نمایندگان بابعالی و دولتین روسیه و انگلیس‏ اشتراک مساعی نماید و این مأموریت چهار سال بطول انجامید.درویش پاشا نمایندهء عثمانی به‏ نیرنگ وفریب،کعبیان را تحریک مینمود که خودرا تبعهء عثمانی بخوانند و وعده میداد که در اینصورت تا ده سال از پرداخت مالیات معاف خواهد کرد.برخلاف مشیر الدوله دو هزار تومان بر مالیات ایشان بیفزود و ششهزار تومان بر شهر حویزه مالیات بست و با این وصف هیچیک‏ (1)-ناسخ التواریخ دورهء قاجاریه،جلد دوم ص 75.

(2)-مجلهء خواندنیها شمارهء 95 مورخ 27مرداد 1343.آقای مشیری در همین مقاله عسکر خان افشار ارومی وزیر مختار ایران‏ در فرانسه را«شاهزاده عسکر میرزا»نوشته‏اند که البته اشتباه فاحش است.

از تبعیت ایران دست برنداشتند و نقشهء خائنانهء بیگانه‏پرستان در بوتهء اجمال ماند.1

\*\*\*

در اواخر سال 1255 امپراطور روسیه به تقاضای دولت عثمانی نامه‏ای به محمد شاه نوشت‏ و توصیه کرد که نمایندگان ایران و عثمانی در انجمنی جمع آیند و ضمنا مسئلهء محمره را نیز فیصل‏ دهند.این انجمن بعدها در ارزنة الروم تشکیل گردید و نمایندگان روس و انگلیس هم در آنجا حضور یافتند.در همین گیرودار واقعهء اسفناک کربلای معلی بدست نجیب پاشا والی بغداد اتفاق‏ افتاد و نانجیبی‏های او عالم تشیع را عزادار ساخت.تفصیل واقع این است که جماعتی از اشرار و یا گروهی بی‏گناه که بی‏جهت متهم و مورد تعقیب قرار میگرفتند برای فرار از مجازات به کربلا میرفتند.رفته‏رفته تعداد جمعیت آنان رو به افزایش نهاد و رشتهء نظم شهر از هم گسیخت و فقط حاکم کربلا بلکه والی بغداد هم از تسلط بر اوضاع و استقرار امنیت و آرامش عاجز ماند.دولت‏ عثمانی ناچار علیرضا پاشا را که دوازده سال در آن سامان حکومت داشت از کار برکنار و محمد نجیب‏ پاشا حاکم شام را به حکمرانی آنجا منصوب کرد.

والی جدید بغداد به شهر کربلا لکشر کشیده سه ساعت تمام حکم قتل عام داد.لشکریان‏ عثمانی در حرم مطهر حضرت سید الشهدا علیه الاف و استر بستند و در این دو رواق مبارک که بود کشتند و از زر و سم و جواهر آلات و اشیاء نفیسه هرچه به غارت بردند.در این حادثه که حکم‏ ایلغار مغول را داشت فقط خانهء حاج سید کاظم رشتی شاگرد شیخ احمد احسائی و منزل علیخان‏ ظل السلطان از تعرض مصون ماند.2از این موضوع چنین استنباط میشود که محرک نجیب پاشا3 دولت انگلیس بوده که ظل السلطان و سایر شاهزادگان فراری را به عنوان«مترسک»و تهدید محمد شاه تقویت مینموده و سید کاظم رشتی هم که پیروان او بعدها به دو دسته تقسیم و باعث تفرقه میان‏ مسلمنان ایران شدند با عوامل استعماری انگلستان ارتباط داشته است.

تعجب در اینجاست که یک مرد روحانی صاحب داعیه که تا آن اندازه مورد احترام بوده و حشمت مسکن و مأوای او به نظر والی بغداد به روضه‏های متبرکه فزونی داشته چرا قدم پیش‏ نگذاشته و از آن کشتارهای خونین جلوگیری بعمل نیاورده است.محمد تقی لسان الملک و حاج‏ فرهاد میرزا معتمد الدوله مینویسند که در این حادثه نه هزار تن بهلاکت رسیدند.4ولی واتسون‏ انگلیسی تعداد کشته شدگان را پانزده الی هجده نفر ثبت کرده است.5

این خبر وحشت اثر مقارن ایام عاشورا بطهران رسید6و حاج میرزا آقاسی تا مدتی از افشای‏ آن خودداری کرد لیکن بالاخره مردم از چگونگی امر آگاه شدند و به حاجی صدر اعظم فشار آوردند که برای خونخواهی و تقاص ایرانیان شیعه که در کربلا کشته شده‏اند قیام و تجهیز قوا کند. حاجی که از جنگ هرات نتیجه‏ای نگرفته بود از عامل زمان استفاده کرد و پس از چند روز که‏ (1)-تاریخ پانصد سالهء خوزستان نوشتهء احمد کروی ص 134 چاپ دوم.

(2)-ناسخ- التواریخ دورهء قاجاریه جلد دوم ص 156

(3)-میرزا حسین علی در باغ نجیبیه که از مستحدثات‏ همین نجیب پاش بود و بهائیها آنرا باغ رضوان مینامند ادعای خود را آشکار و باصطلاح فرقهء بهائیه‏ اظهار امر کرد.

(4)-ناسخ التواریخ جلد دوم ص 156 و زنبیل حاج فرهاد میرزا ص 351

(5)-تاریخ قاجار ص 230.

(6)-ایضا همان کتاب و همان صفحه.

علیان احساسات و هیجانات عمومی کاهش یافت به اشارهء سفرای روس و انگلیس بهمین قانع شد که دولت عثمانی از وقوع این حادثهء ناگوار رسما عذرخواهی کند و اختلافات ایران و عثمانی‏ چنانکه سابقا قرار شده بود در انجمن ارزنة الروم حل و فصل شود.

یک بار دیگر هم باز نزدیک بود که خون عده‏ای بیگناه ریخته شود و جمعی از ایرانیان‏ مقیم عتبات عالیات بهلاکت برسند.این دفعه حاج میرزا آقاسی از مقام صدارت برکنار شده بود و در عتبات اقامت داشت.بمنظور مقایسهء اقدام خیر خواهانهء حاجی با اعمال روحانی نماهای صاحب‏ داعیه،چگونگی امر عینا از صدر التواریخ‏1نقل میشود.

«موقعی که حاجی در عتبات بود شیعیان عراق عرب شب نهم ربیع الاول طبق معمول مجسمه‏ و هیئت یکی از ائمهء جماعت را به اشکال مختلف درست کرده آتش میزدند.سنی‏ها به والی بغداد شکایت کردند.حکم شد ایرانیهای شیعه را دستگیر و مجازات کنند حتی علما مورد مؤاخذه واقع‏ شدند.حاجی تدبیری اندیشید و در مقام خفض جناح و شکسته نفسی برآمد و نزد والی رفت و از او اظهار تشکر کرد.حاجی به والی بغداد گفت قریب چهارده سال من صدر اعظم ایران بودم بجای‏ نیکی مرا معزول نمودند حالا هم در این مکان شریف مرا آسوده نمیگذارند و ایرانیها با اعراب‏ همدست شده تقلید مرا درمی‏آورند و هیئت مرا به اشکال مختلف آتش میزنند.شنیده‏ام شما به احترام‏ من آنها را مؤاخذه کرده‏اید،ممنونم،ولی راضی به ایذاء آنها هم نیستم زیرا تعهد کرده‏اند دیگر مجسمهء مرا آتش نزنند.والی گفت مگر این کارها راجع بشما بوده؟گفت بلی،عده‏ای هم به اشارهء حاجی گفتهء او راتصدیق کردند و حاجی به این تدبیر ایرانیها را از عقوبت نجات داد.»

تمام

(1)-نسخه خطی کتابخانه دانشکدهء ادبیات.

خسر الدنیا و الاخرة

بی‏بهره و بی‏نوا بداختر هم‏ در اوّل عمر بودم و آخر هم‏ مطرود حریم مؤمن و کافر هم‏ نومید ازین جهان و از دیگر هم